

آقای گای رایدر گرامی

دبیرکل کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری آزاد

مراتب تشکر صمیمانه خود و خانواده ام را از فعالیت کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری آزاد در جلب همبستگی بین المللی برای آزادی دستگیرشدگان اول مه سقز، که من را نیز شامل میشود، پیش از این برای شما نوشته ام. همانطور که میدانید ماجرای احضار ما به دادگاه همچنان ادامه دارد و ما همچنان نیازمند نیروی همبستگی خواهران و برادران کارگرمایان در سراسر جهان هستیم. اما هدفم از این نامه مساله دیگری است.

من چنین برداشت کرده ام که تلاش کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری آزاد برای جلب این همبستگی صرفا به ما هفت تن بازداشت شدگان محدود نیست و با آنچه از وضعیت کار و مبارزه کارگران سقز و ایران دو روز پیش از دستگیری در ملاقاتی در هتل لاله تهران برای هیات اعزامی کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری آزاد که از ایران بازدید میکرد، بازگو کردم، نظر کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری آزاد را به حمایت فعالین کارگران ایران برای ایجاد تشکلهای اصیل و مستقل کارگری جلب کرده ام. نامه من بر چنین درکی بنا شده است.

همانطور که مطلعید چند روز پیش نماینده سازمان جهانی کار در تفاهم نامه ای با وزارت کار ایران و خانه کارگر، عملا شوراهای اسلامی را با ایجاد تغییراتی مطابق مقاوله نامه های سازمان جهانی کار دانسته و آنها را بعنوان نماینده کارگران خواهد پذیرفت. شخصا فکر نمیکنم این تفاهم نامه هیچ واکنشی در جنبش کارگری ایران برانگیزد، زیرا کارنامه شوراهای اسلامی نزد کارگران ایران روشن تر از اینهاست. به رسمیت شناخته شدن شوراهای اسلامی از جانب سازمان جهانی کار وقفه ای در مبارزه ما برای ایجاد تشکلهای واقعی مان ایجاد نمیکند. ما کارگران ایران میدانیم که باید به نیروی مبارزه خودمان تشکلهامان را بسازیم و نگاه داریم و موجودیت آنها به دولت و صاحبان سرمایه ایران بقبولانیم. در این مبارزه طولانی البته روی نیروی همبستگی کارگران کشورهای دیگر حساب میکنیم. کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری آزاد که یکی از سه رکن سازمان جهانی کار است باید از حق ما برای ایجاد تشکل در ایران دفاع کند و به تفاهم نامه اخیر سازمان جهانی کار رضایت ندهد. خوشحال میشوم که مرا و همه کارگران ایران را از نظرات و اقداماتتان در درباره این تفاهم نامه مطلع سازید.

آقای گای رایدر گرامی

اجازه دهید تا در این رابطه مسائلی را با شما در میان بگذارم. با آنکه می دانم مطلب طولانی می شود اما امیدوارم پیشاپیش پوزش مرا از طولانی شدن نامه بپذیرید.

فعالین جنبش کارگری ایران از نظرات من نسبت به خانه کارگر و شوراهای اسلامی مطلع هستند. من به دفعات با مقامات بالای خانه کارگر و شوراهای اسلامی بحث داشته ام و آنها نیز نظرات من را هر چند با آن موافق نیستند درباره خودشان میدانند. اینجا من مایلم آنها را برای شما بازگو کنم.

وظیفه اصلی تشکل کارگری همانا متشکل کردن و دفاع از همه کارگران و زحمتکشانی است که با دسترنج خود زندگی میکنند. خصوصیت اصلی هر تشکل کارگری بوسیله جهتگیری و اقداماتش معین می گردد، چه شورا باشد و چه سندیکا. بعبارت دیگر یک تشکل کارگری در جهت گیری و اقداماتش وقتی طبقاتی است که همواره بر مواضع طبقه کارگر در نقطه مقابل طبقه استثمارگر سرمایه دار تکیه کند. غیر از این نوع بینش درباره تشکل کارگری، بینش دیگری هم در جهان وجود دارد که مشخصه آن گرایش دائمی به سازشکاری با کارفرما هاست. این گرایش جبرا به همکاری طبقاتی در عمل و به زیان منافع کارگران منجر میشود. خانه کارگر و شوراهای اسلامی از این دسته هستند. آقای محبوب در یکی از سخنرانیهایش در گیلان می گوید که "ما تشکیلات خانه کارگر را بنا نکردیم تا مانند سپری در مقابل کارفرمایان عمل کند." شوراهای اسلامی کار اصلا کارگری نیستند چون کار آنها بیشتر به نفع کارفرما است تا طبقه کارگر. خانه کارگر خود یکی از عوامل دولت است. وقتی ما در مجمع عمومی مورخه ۱۳۸۱/۹/۲۴ از آقایان خانه کارگر شهر سقز پرسیدیم که چرا مبلغ هنگفتی از سرمایه کارگران خباز را حیف و میل کردید. آنها بجای پاسخ به سئوالات ما، یک گونی نشریه سازمانهای اپوزیسیون که جمهوری اسلامی آنها را غیر قانونی کرده است را آوردند و به ما وصل کردند. داشتن چنین نشریاتی در ایران مجازاتهایی سنگین بدنبال دارد. بدین وسیله آنها کوشیدند تا ما را ساکت کنند.

آقای گای رایدر گرامی

بیائید با هم به شوراهای اسلامی از زاویه دیگری نگاه کنیم. این یک موضوع غیر قابل انکار است که خانه کارگر و شوراهای اسلامی تنها تشکل مجاز در ایران هستند. دولت ایران به هیچ جریان دیگری اجازه ایجاد تشکل و فعالیت کارگری نمیدهد. این علت وجود شوراهای اسلامی و خانه کارگر و عدم وجود تشکل های دیگر است. در ایران تنها شوراهای اسلامی و خانه کارگر وجود دارند چون امثال من در جنبش کارگری ایران حتی حق کاندیدا شدن در انتخابات تشکل های کارگری را ندارند و من اینجا فقط مثال خودم و محمد عبدی پور را به اطلاع شما میرسانم. من در انتخابات انجمن صنفی کارگران خباز سقز که خودم از بنیان گذارانم هستم، حق ندارم خودم را در انتخابات کاندیدا کنم. در تاریخ ۲/۱۲/۸۲ مقامات محلی جمهوری اسلامی نتوانستند انتخابات انجمن صنفی کارگران سقز را برگزار کنند. شرط شرکت کارگران در انتخابات این بود که من بعنوان فرد مورد اعتمادشان عضو هیات نظارت بر انتخابات باشم. مقامات ابتدا قبول نکردند و کارگران هم در انتخابات شرکت نکردند. کارگران هنگامی در انتخابات شرکت کردند که مقامات من را بعنوان عضو هیات ناظر بر انتخابات پذیرفتند. در انتخاباتی که با این مسائل روبرو بود مقامات محلی مربوطه کاندیدا شدن محمد عبدی پور که برای سه دوره نماینده کارگران بود را منوط به استعلام از وزارت اطلاعات کردند، یعنی خواستار تائید محمد عبدی پور توسط وزارت اطلاعات شدند. وزارت اطلاعات محمد عبدی پور را تائید نکرد و کاندیدا شدن وی را ممنوع کرد. این باعث تشنج در جلسه انتخابات شد و مقامات بر تصمیم وزارت اطلاعات پافشاری کردند و تغییر آنرا غیر ممکن دانستند. با این حال وقتی آرا شمارش شد تمام کارگران به محمد عبدی پور رای داده بودند و وزارت کار آرای وی را باطله اعلام کرد. محمد عبدی پور یکی از ۷ نفر دستگیرشده اول ماه مه سقز است که روز ۱۰ آذر امسال باید به دادگاه برود. بدین دلایل شما در ایران فقط با خانه کارگر و شوراهای اسلامی مواجه هستید.

آقای گای رایدر گرامی

توافق قبلی سازمان جهانی کار با وزارت کار ایران نقش شوراهای اسلامی و خانه کارگر را مشورتی می کرد و آنها را به حاشیه می راند. شوراهای اسلامی و خانه کارگر در مخالفت با آن توافقنامه که از قبل از مفاد آن مطلع بودند از هیچ تلاشی خودداری نکرد و حتی وزیر کار مورد حمایت خود را نیز در این راه از دست داد و رئیس جمهور خاتمی یک وزیر کار جدید انتخاب کرد. آن توافقنامه در دوران وزیر کار جدید امضا شد. برخلاف شوراهای اسلامی بخشهایی از جنبش کارگری ایران از آن توافقنامه استقبال کردند و نامه تشکر برای وزارت کار ایران نوشتند و از آن قدردانی کردند. توافقنامه هفته قبل سازمان جهانی کار در تهران نسبت به قبلی تغییر کرده است و نقش اصلی را برای شوراهای اسلامی و خانه کارگر قائل شده است و اینبار اعتراض این بخش را برانگیخته است و آنها مجدداً به وزیرکار نامه نوشتند منتها نه نامه تشکر آمیز، بلکه یک نامه انتقادی و گلایه آمیز. توافق اخیر سازمان جهانی کار حاصل نتایج انتخابات مجلس هفتم است که حامیان توافقنامه قبلی قدرت خود را از دست دادند. آیا این برداشت موجهی است که کارگران ایران تصور کنند که سیاست و تصمیمات سازمان جهانی کار در ایران تابع رقابت و تغییر موازنه قدرت در بین جناحهای جمهوری اسلامی است؟ اگر چنین تصویری که سرعت در حال گسترش است عمومیت یابد اعتبار سازمان جهانی کار نزد فعالین جنبش کارگری ایران شدیداً خدشه دار خواهد شد.

آقای گای رایدر گرامی

حق تشکل و اعتصاب مهمترین خواستههای طبقه کارگر ایران هستند. کارگران ایران نسل بعد از نسل برای این خواستها مبارزه کرده اند و هنوز به آن دست نیافته اند. توافقنامه های سازمان جهانی کار و وزارت کار ایران، هم قبلی و هم فعلی، هر دو تلاش کرده اند که موضوع تشکل کارگری در ایران را از بالا و به نفع یک بخش حل کنند. قبلاً به زبان شوراهای اسلامی و اکنون به نفع آنها. من به شما اطمینان میدهم که این توافقات مشکل تشکل کارگری در ایران را حل نخواهد کرد. جنبش کارگری ایران به این نوع مداخلات نیازی ندارد. جنبش کارگری ایران و فعالین جنبش کارگری ایران تنها به یک شرایط آزاد احتیاج دارند تا بدون دخالت دولت تشکلهای خود را ایجاد کنند. من به شما اطمینان میدهم که اگر این شرایط آماده شود کارگران ایران ظرف چند ماه تشکلهای خود را ایجاد خواهند کرد و بسرعت نمایندگان خود را به سازمان جهانی کار و تشکلهای کارگری جهان معرفی می نمایند.

لازم می دانم که یاد آوری کنم که در سال ۱۳۵۷ کارگران ایران در اولین فرصتی که یافتند بسرعت تشکلهای خود را ایجاد کردند و با یک اعتصاب سراسری یکی از بزرگترین اعتصابات کارگری در قرن بیستم را سازمان دادند و نقشه برجسته و اساسی در انقلاب ایران علیه شاه داشتند. احتمالاً شنیده اید که در آن دوران کارگران نفت کنترل مراکز نفتی را بدست گرفتند و در دفاع از حقوق حقه مردم فلسطین و علیه آپارتاید راسا صدور نفت به اسرائیل و آفریقای جنوبی را قطع کردند. جالب است به اطلاعات برسانم که هم اکنون ایجاد هر نوع تشکل کارگری در صنایع نفت و بسیاری از سایر مراکز عظیم صنعتی که نقش مهمی در اعتصابات دوران انقلاب داشتند ممنوع است. در این مراکز مهم و عظیم صنعتی حتی ایجاد شوراهای اسلامی هم ممنوع است.

آقای گای رایدر گرامی

باید اجازه داد و کمک کرد تا شرایطی فراهم شود که جنبش کارگری ایران بر مسائل درونی خود فایق آید. جنبش کارگری ایران باید تصمیم بگیرد که خواهان فقط یک نوع تشکل سراسری است مثل آلمان یا کانادا و یا خواهان چند نوع تشکل سراسری است مثل ایتالیا و فرانسه. طرفداران شورا، مجمع عمومی و سندیکا، هر دو وجود دارند و حتی طرفداران سندیکا نیز دارای برداشت واحدی از سندیکا نیستند. باید شرایطی فراهم آورد تا این تنوع خود را نشان دهد. دفاع سازمان جهانی کار از یک طرف هیچ نفعی برای هیچکس ندارد و مهم تر اینکه به مسایل جنبش کارگری ایران نه تنها پایان نمی دهد بلکه آن را بغرنج تر میکند. نباید به نفع یک طرف و از بالا و با امضای چند مواد بر روی یک کاغذ مسئله را حل شده فرض کرد. جنبش کارگری ایران و فعالین آن بسیار پیچیده تر از آن هستند که سازمان جهانی کار تصور می کند. همگان از پیچیدگی های سیاست در ایران آگاهی دارند اما نه از پیچیدگی و مسائل بغرنج جنبش کارگری ایران. بیائید کمک کنیم تا شرایطی به وجود آید که این پیچیدگی ها امکان بروز بیابد.

آقای گای رایدر گرامی

به نفع همه طرف های درگیر است که همگی از حق تشکل در ایران دفاع کنند و بکوشند شرایط تحقق آن فراهم گردد. کارگران ایران در یک شرایط آزاد باید تصمیم بگیرند که از این حق خود بطور مشخص برای ایجاد چه نوع تشکلهایی استفاده می کنند و جریانات درگیر چه مناسباتی را با هم برقرار میسازند. یکبار دیگر از طولانی شدن نامه پوزش میخواهم.

اردتمند محمود صالحی

پنجم آبانماه ۱۳۸۳

۲۶ اکتبر ۲۰۰۴

رونوشت: دبیرکل سازمان جهانی کار

بخش کارگران سازمان جهانی کار

فدراسیون اتحادیه های کارگری جهانی